

مطالعه و طراحی عناصر طبیعی در طراحی ها و تزئینات داخلی به شیوه مدرن با توجه به جان دادن در چوب

عطیه نتاج مجد^۱، فاطمه سعید پاریزی^۲

^۱ عضو هیئت علمی موسسه آموزش عالی طبری بابل (نویسنده مسئول)

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد ارتباط تصویری، موسسه آموزش عالی طبری بابل

AtiyeNetajMajd@gmail.com

چکیده

انسان های اولیه با خانه و کاشانه آشنا نبودند و تنها محل با شیئی را به عنوان سرپناه فراهم می کردند تا از باد و باران در امان باشند. پس از سال ها انسان شروع به طراحی خانه و مسکن به عنوان محلی برای سکونت کرد. در مفاهیم معماری از قرن ها پیش ساخت مقدس «خانه» به عنوان محلی برای آرامش و توجهات معنوی تعریف می شد، اما امروزه این مفهوم کسی نادیده گرفته شده و خانه صرفاً محلی برای آسایش شده، آسایشی که آرامش در بر ندارد. یکی از راه های ایجاد فضا ای مطبوع جسمانی و روحانی در محیط زندگی، کاربرد عناصر طبیعی در طراحیها و تزئینات داخلی، به شیوه مدرن با توجه به جان دادن در چوب می باشد. با توجه به اینکه جمیت انسانی روز به روز در حال رشد و پیشرفت است. امروزه ساختمان ها جزئی از طبیعت و محیط زیست پیرامون ما شده است که باید در جهت گسترش این محیط سعی بر آن شود که کمترین ناسازگاری و مغایرت را با محیط طبیعی داشته باشد. استفاده از چوب طبیعی به عنوان تزئین و دکوراسیون در جهت تامین کیفیت یکپارچه، از نظر اقتصادی، اجتماعی و محیطی است. چوب به عنوان متریالی تجدیدپذیر و مصالحی پایدار از پرکاربردترین عناصر در محیط اطراف ما می باشد که در عصر صنعتی بیشتر مدل های صنعتی و مصنوعی آن مورد استفاده قرار می گیرند. بطور کلی در این پژوهش سعی بر این بوده به خواص چوب، طراحیها و تزئینات داخلی، انواع چوبها، جوبهای موجود در طبیعت و قابل بازیافت برای طراحی و کاربردهای آن پرداخته شده است.

واژه های کلیدی: طراحی داخلی، چوب های طبیعی، عناصر طبیعی، تصویرسازی، سمبل

مقدمه

امروزه آثار هنری از گالری ها، مراکز هنرهای نمایشی گرفته تا شهرداری ها، فضاهای عمومی حتی خانه های شخصی می بینیم. اما هنر به معنی که مارسل دوشان به اما آموخت. حتی شامل لباسی که به تن دارید می شود. هر جا که هنر را پیدا کنید حتماً چیزی برای گفتن دارد و نظری را بیان می کند. «دیگر نمی توان تعداد محدودی متریکال خاص را به عنوان رسانه هنری نام برد: نه تنها رنگ روغنی، که فلز و سنگ و حتی هوا، مور، صدا، کلمات، مردم، زباله، چیدمان های چند رسانه ای و هر چیز دیگری در هنر امروز حضور دارد، و آن تکنیک ها و روش های سنتی که هنر بودن یک اثر را تضمین می کردند. دیگر رنگ باخته اند حتی حاصل عادی ترین فعالیت های روزمره نیز می توان هنر محسوب شود. (آرچر، ۱۳۸۸؛ ۴۵)

«هنر پدیده ای فکری و وابسته به شناخت اشیا و وسایل ارتباط بصری است اشیا واقعیتی هستند که همه با آن ها زندگی می کنند و ابزار و وسایلی هستند برای عینیت بخشیدن به آنچه مغز در اثر تحریکات خارجی دریافت می کند.

قانون حداقل نیرو و زحمت به معنای در اختیار داشتن ابزارهای مناسب نیز می باشد. بین تمام وسایلی که امروزه هنرمند می توان برای بیان مصود خویش در اختیار داشته باشد، حتماً وسیله ای وجود دارد که بتواند بیشترین نتیجه را با کمترین زحمت به او بدهد مهم شناخت آن هاست. (موناری، ۱۳۷۰؛ ۶۳)

می توان گفت که این عنصر یکی از مهمترین و اصلی ترین عناصر طبیعی موجود در این صنعت می باشد که لزوم توجه به آن نیاز به شناخت و آگاهی در زمینه کارایی ها و عوامل موثر بر آن می باشد از این رو در ادامه به خصوصیات و کارایی ها و عوامل موثر بر چوب شرح داده خواهد شد.

بیان مسئله:

در این پژوهش قصد داریم ابتدا به شکل گیری و روند استفاده از جان بخشی به اشیا روزمره در آثار هنرهای چون مجسمه سازی و خلق آثار هنری در چوب های بازیافتی در طبیعت پردازیم و سپس به معرفی چند تن از هنرمندان که در آثارشان به جان بخشیدن به اشیا پرداخته اند و بعد از آن تجزیه و تحلیل آثار بر این مبنا می پردازیم. مس ئله ای که در این جا مطرح می شود این است که چرا هنرمندان قرن اخیر از مواد بی ارزش و با زباله استفاده می کردند و چرا به استفاده از آن ادامه دادند؟ چگونه است که یک شی بی ارزش به اثر هنری تبدیل می شود؟

با نگاهی به آثار هنرمندانی چون: پیکاسو، دوشان، راشتیگ و ... می توان ردی از علاقه ای خاص به دور ریختنی ها، خرده ریزها، و مواد کم ارزش را یافت. که این خود گویای ادغام شدن فرهنگ قرم بیستم با اشیا بازیافتنی، آلودگی ها، خرده پاره ها، دور ریختنی ها است.

(مسن تاش، ۱۳۸۷). «شناسایی و بررسی کاربرد چوب در تزئینات وابسته به هنر تزئینی مازندران مشتمل بر معرفی عناصر و اجزا الحاقی و کالبدی از طریق حضور در محل کار میدانی و مطالعات کتابخانه ای از مباحثی است که در این پژوهش به آن پرداخته شده است.» (ابراهیمی، ۱۳۹۵؛ ۸۲). چون درخت ساختار بسیار ویژه ای دارد که آنرا تبدیل به پایه اولیه بسیاری از لوازم منزل کرده است. اما خلأیت با چوب درخت فقط به ساخت وسایل گران قیمت فوکس ختم نمی شود، چیزهایی بسیار زیادی وجود دارد که خودتان با اندکی پشتکار می توانید آنها را بسازید و چون درخت بلوط یا درخت های مشابه مانند راش، برای ساخت وسایل دکوری و کاربردی منزل عالی هستند. (افسریان؛ ۴۲)

روش تحقیق:

روش تحقیق در این پژوهش به صورت توصیفی - تحلیلی است. توصیفی است چرا که به توصیف و شناخت تعاملات اجتماعی در مجموعه های هنری به عنوان فضاهای عمومی پرداخته است. تحلیلی است از اینرو که نیازمند بررسی رابطه عوامل مختلف با تعاملات اجتماعی در فضاهای عمومی بوده و در بخش میانی نظری نیاز به شناخت مفاهیم و مبانی و نیاز گردآوری داده های پژوهش از روش کتابخانه ای استفاده شده است.

تصویر سازی:

«تصویرسازی چیست و قدمت آن چقدر است و تاثیرش در عالم هنر و جامعه به چه میزان است و نقشی که او در دیرگر فرمهای هنری ایفا می کند چقدر است؟ اینا همه سوالاتی هستند که همواره در پی پاسخ دادن به آنها بوده و هستیم در بدو ورود به این بحث نگاهی اجمالی به مفهوم امروزی هنر خواهیم کرد. به نقل از وارژولبرگ «شاید این سوال هم هنر چیست، در مواجه نخست سوالی بی وجه به نظر آید. زیرا معنای هنر، معمولاً دانسته فرض می شود ولی جوامع مدرن غرب شاهد چنان تغییرات ریشه ای در فرم و محتوای هنر بوده اند و چنان که به کرات با این مساله روبه رو شده اند. که چه چیزهایی را ذیل عنوان هنر قرار بدهند و چه چیزهایی را قرار ندهند، که در هر تحلیل جامعه شناختی از هنر موضوع چپستی آن مطرح شده است»

«وانگهی، هنگامی که گویی اجماعی درباره گونه های هنر وجود داشته است. ادعاهای تازه ای درباره هنر دانستن برخی چیزها مطرح شده اند که شاید هدفی غیر از سست عقیده کردن حتی هنر دوستان دانا و مجرب نداشته اند. آنها به جای تابلوهای رنگ روغن و تندیس های مرمرین در حوزه ها، اکنون با تلقی از خشت و آجر روبه رو می شوند (مانند: آثار کارل آندره) به جای آن که مستمع آهنگ هایی باشند که در مقام و هارمونی های مرسوم، ساخته می شوند و نوازندگانی آنها را از طریق نُت های نوشته شده دیپارِتیتور قطعه و به هدایت رهبر اکستر به اجرا در می آورند، به کنسرت های ساحل دریا دعوت می شوند که در آنها، باید رادیوهای قابل حمل خود را همراه داشته باشند و صدای آنها را تا جایی که می توانند روی هر ایستگاهی که

بخصوص یادآوری صحنه های تئاتر انگیز، مهیج، مضمزکننده، تکاندهنده، یا دوست داشتنی شیرین، لطیف و پرمهر در بسیاری موارد موجب ظهور مجدد همان واکنش ها، عواطف و احساسات می شود که در نخستین مواجهه پدید آمده است. بسیاری از بیماری های روانی با دیدن تصاویر همراه است، توهم تصویری بیمارگونه با مشاهده تصویهای ذهنی هولناک و دلهره آور آغاز می شود و آشفتگی ها و اختلالات خفیف یا شدید «سیستم عصبی» و تفکر ایجاد می گردد. داروها و مواد توهم زا نیز با همجم تصاویر در ذهن مصرف کننده رابطه او با واقعیت محیط اطراف خود را ضعیف می کند. تخیل، تصور و تجسم که در فرآیندگی هنری نقش بسیار حساسی دارند. اساساً بازنمایی پیوسته اند. طرح اولیه هنرمندان اغلب به صورت تصویری در ذهن شان مجسم می شود. بسیاری از هنرمندان یا حتی دانشمندان گزارش داده اند که امام اثر به نظریه خود را به طور کامل در رویاها و یا در تخیلشان دیده اند و سپس زامن درازی را برای پرداختن دقیق به جزئیات یا محاسبات لازم، سپری کرده اند» (سمسار، ۱۳۹۶؛ ۵۴)

«منشأ هنر در سیر کامل جوامع بشری را بدلیل نقاشی ها و اشکال منقوش در غارهای متعدد سراسر جهان به دوره های غارنشینی انسانهای ماقبل تاریخ نسبت می دهند. در ارزیابی این نکته باید اذعان کرد که «تصویر» نخستین ابزار قدرتمند ارتباطی میان انسان و موجودات بوده است. این ابزار ارتباطی در شکل تکامل یافته تر خود به (خط تصویری) یا (تصویر نگاری) انجامیده است که در تکامل جوامع بشری و انتقال تجربه و اندیشه، بسیار حائز اهمیت بوده است» (قبادیان، ۱۳۹۶؛ ۱۴۲)

دکتر قدومی در مورد ریشه واژه تصویرسازی چنین می گوید:

«تصویرسازی را در زبان فرانسه و انگلیسی به Illustration می شناسند. در زبان عربی «مصور» کسی است که کار تصویرگیری و تصویرسازی را بر عهده دارد. خداوند در قرآن کریم از خود به عنوان مصور یاد می کند: «هو الله الخالق الیاری المصور له لاسماء الحسنی» اوست خدایی که آفریدگار است، صورت بخش است، اسم های نیکو از آن اوست.

در تاریخ هنر همه ی آنهایی که دستی به قلم داشتند و می توانستند با ابزارهای مختلف و روش های گوناگون موضوع و مفهوم خاصی را به تصویر بکشند. با عنوان تصویرساز شناخته می شدند. باورها و انگیزه های دینی، اجتماعی، و در پاره ای از موارد، تفکرات توهم آمیز، انسان را از آغاز حضورش بر کره ی خاکی واداشته است تا به کارگیری این شیوه ی هنری، راوی وقایع تاریخی و مسائل مختلف روزمره ی زندگی خود باشد. (قدومی، ۱۳۸۶؛ ۲)

«با توجه به ریشه ی این کلمه در فرهنگ های مختلف در ابتدا، به درکی تاریخی از این هنر می رسیم و کاربردش را در گذر زمان بررسی می نمائیم، دکتر قدومی در این خصوص چنین نظری دارد. (مهرانفر، ۱۳۹۶؛ ۵۶)

«تصویرسازی ها در طول تاریخ مانند تصویرسازی های روی دیواره های مختلف، با قدمتی حدود هفده هزار سال، تصویرسازی های تمدن های باستانی ایران، بین النهرین، یونان و مصر، تصویرسازی های روی پوست حیوانات که نخستین کتاب های

تصویرسازی شده تلقی می شوند و نیز تصویرسازی های کتاب های دست ساز کاغذی عمدتاً بیان کننده ی این واقعیت اند که تصویرگرایان با بهره جویی از این فن تلاش کرده اند، راوی وقایع مختلف روزگاران خود و بیانگر عقاید دینی و حوادث تاریخی و روشن کننده ی برخی علوم نظری و علمی و متون ادبی باشند. تصویرسازی هنری است. که هنرمند به کمک آن اقدام به روایتگری تصویری می کند. در واقع، تقویت درک مفاهیم مختلف علمی، ادبی به کمک تصویر و احساس ملموس تر وقایع تاریخی، وظیفه اصلی تصویرسازی است. اولین تجربه های تصویرگرانه را بشر در عصر غارنشینی به صفحه ی ظهور رساند. آثار به دست آمده از درون غارها، بیانگر واقعیت است که انسان اولیه، بی تجربه اما هوشمند بوده و پس از آشنایی با مواد رنگی طبیعی اطراف خود، به این ابتکار تاریخی دست زده که توانسته است به کمک خطوط و سطوح رنگی تصاویری را روی سطوح مختلف از جمله دیواره های غارها ترسیم کند. شاید نقش دست رنگ شده ی انسان غارنشین، نهاد نخستین امضای انسان باشد و درک این واقعیت در وهله نخست، برای او بسیار شگفت آور بوده است» (کاتب، ۱۳۸۶؛ ۵۹)

تفاوت عمده ی هنر نقاشی و تصویرسازی:

«تفاوت هنر ناشی و تصویرسازی در چیست؟ مرز بین این دو کجاست»

تعیین مرز مشخص تفاوت میان نقاشی و تصویرسازی، همواره از پرسش های متداول مخاطبین و هنرجویان بوده است، از این رو لازم به نظر می رسد که اشاره ای هر چند اجمالی، به تفاوت های میان این دو تخصص هنری داشته باشیم. دگر قدمی در خصوص این تمایز چنین بیان می دارد که «تصویرسازی در قید و بند موضوع و بیان حالات روانی شخصیت ها، نقش مهمی را در آن ایفا می کند» (قبادیان، ۱۳۹۶؛ ۱۴۲) «در صورتی که اگر یک اثر هنری تجسمی که با فرم و رنگ، خط، نقطه و سطح سروکار داشته باشد. از مسائل یاد شده رهایی یابد. به حوزه ی هنر نقاشی، به عنوان هنری محض و نه کاربردی وارد شده است. براین اساس، برخی صاحب نظران مباحث نظری هنر براین عقیده اند که در ارزش گذاری هنرهای تجسمی، نقاشی، از نظر ارزش هنری در مرتبه بالاتری قرار می گیرد، زیرا در خلاقیت هنری، هنگامی که اثر خلق شده در چارچوب زمان و مکان و موضوع گرفتار نباشند، هنرمند قادر است به صورت کامل تر بیان کننده ی حالات و توصیف کننده ی حوادث روزگار خویش اند. زمانی به نسبت طولانی گذشت تا خلق آثار هنری محض که بتوان آن را در حوزه ی هنر نقاشی مورد ارزیابی قرار داد، به محضه ظهور رسید» (آبگون، ۱۳۹۱؛ ۵۶)

«در ارتقای آگاهی و شناخت انسان در دوره های بعد و درک بیشتر او از ویژگی زیبایی شناسی و نیز زیبایی دوستی که از تخلیات روحی و فطری انسان است. با توانایی های تکنیکی که در حوزه ی تصویرسازی از گذشته آموخته بود، درهم آمیخت و انسان را قادر ساخت تا به خلق آثار هنری محض که در حوزه ی هنر نقاشی جای می گیرد، دست یابد. از این روست که می توان گفت هنر نقاشی نتیجه ی سیر تکاملی تصویرسازی در تاریخ است.

شایان ذکر است که پیدایش هنر نقاشی در تاریخ، به منزله ی پایان کار تصویرسازی نیست. بلکه همان طور که شاهد آنیم از کاربرد این هنر تا عصر حاضر نه تنها کاسته نشده، بلکه نیاز انسان از دوران کودکی تا پایان عمر، به آن بیشتر احساس می شود» (گودرزی، ۱۳۹۲؛ ۶۴)

تاریخچه تصویرسازی:

«در ابتدای ورود به تاریخ به این هنر، تلاش می کنیم تا رویکرد ارتباطی این هنر را به وسیله انسان نخستین بررسی نمائیم. در این زمینه با توجه به تحقیقات بیشتر و ثبت شده دکتر قدومی چنین می نویسد:

«انسان عصر سنگ، ساده و بی آرایش، شفاف و بی ریا، به دور از پیچیدگی های جوامعی که بعدها تشکیل شد. با وجود هوش خدادادی چونان کودکی است که همه چیز برای او تازگی دارد. طبیعت بکر و سرشار از زیبا ئی جانوران و گیاهان، کوه و دشت و هر آنچه در زمین و آسمان است، برای او تجربه ای تازه بود. روح شفاف او ثبت کننده ی تجارب جدیدی است که در برخورد با طبیعت با آن آشنا می شود و با اتکا بر این تجاررت در می یابد که از مهم ترین نیازهای اولیه سرپناه و غذاست. پناه بردن به غار، برای امنیت خود و فرزندان در برابر هجوم جانوران وحشی و حوادث طبیعی و شکار برای تامین غذا، نخستین اقدام هوشیارانه ی انسان کهن عصر سنگ به شمار می رود» (آلستون^۲، ۲۰۱۱؛ ۳۲)

«استان غارنشین پس از راغت از فعالیت های روزانه و در کنج خلوت و تنهایی خویش در دل غار و به دور از مدخل ورودی آن، با ابتدائی ترین وسایل و مواد طبیعی اطراف خود اقدام به تصویرگری بر روی دیواره ی غار می کند. نمایش تصویری اشیا، پدیده های طبیعی و به خصوص جانوران وحشی، اولین دست نوشته های مصوری هستند که از انسان اولیه بر جای مانده است. این شروع خلاقیت هنری انسان پیش از تاریخ است.

دانشمندان از این موجود خلاق و هنرمند با عنوان استان «کروماتیون^۳» یاد می کنند که پس از هبوط بر زمین، جای انسان «تئاندرتال^۴» را گرفت. (همان: ۳۳)

«کشف غارهایی مانند «لاسکو^۵» در فرانسه در سال ۱۹۴۱، (آلتامیرا^۶) در اسپانیای شمالی در سال ۱۸۷۹ و سایر غارهای کشف شده در جهان، از جمله غارهای میرملاس و دوشه در لرستان و سنگ نگاره های ارسباران آذربایجان شرقی در ایران، توجه خاص باستان شناسان را برای دریافت اطلاعات بیشتری از زندگی انسان های اولیه به خود جلب کرد. اغلب آثار

^۲ - Akston

^۳ - Cro-manyon

^۴ - Neandertal

^۵ - lascaux

تصویرسازی با رنگ های طبیعی کار شده با روی دیواره ی غار نقش شده است. در مواردی نیز با استخوان های جانوران پیکر تراشی شده است. شیوه طراحی و توانایی انسان غارنشی ن در ارائه تصوی ری نزدیک به واقعیت، به گونه ای است که موجب شگفتی انسان امروزی می شود.» (قدمی، ۱۳۸۶؛ ۸)

تصویرسازی و مخاطب:

« در تصویرگری امروز، بر خلاف دوره های قبل که تصویر بر ای مقاطع سنی بود، تصویرگر نمی تواند به نیازهای روحی و روانی مخاطبان مختلف بی اعتنا باشد. توجه به نیازهای مخاطبان در این حرفه هنری اهمیت خاصی دارد. تصویرگر بهتر است در حین خلق اثر تا حد امکان به روحیات مخاطبین توجه داشته باشد، در غیر اینصورت، تصویر به دست آمده ممکن است به لحاظ هنری ارزش والایی داشته باشد، در غیر این صورت، تصویر به دست آمده ممکن است به لحاظ هنری ارزش، ارزش والایی داشته باشد ولی آیا می توان مدعی شد که با مخاطب خود ارتباطی صحیح و منطقی برقرار کرده است.»

آیا توانسته است در ذهن او انگیزه ای برای نگریستن به تصاویر به وجود آورد. بدین ترتیب، بهتر است با خصوصیات روانی، مقطع سنی و برخی نیازهای او به شرح زیر تا حدودی آشنا می شنویم. تا بتوانیم با تصویر با مخاطب خود بهتر ارتباط برقرار کنیم و آنان به کمک تصویر محتوای کتاب را بهتر درک کنند. (مهردادفر، ۱۳۹۰؛ ۸)

الف - کودکان گروه سنی یک تا سه ساله

ب - کودکان گروه سنی چهار تا شش ساله

ج - کودکان گروه سنی ده تا دوازده ساله

د - گروه سنی نوجوان

ارتباط بین متن و تصویر (صفحه آرای)

«در صفحه آرای کتاب ها ارتباط صحیح بین متن، تصویر و نحوه قرارگیری آن ها را صفحه بسیار مهم است. در کتاب های کودکان اصل مهم رعایت کردن رابطه موضوع و تصویر از نظر جایگیری در صفحه است. قرارگیری تصویر در صفحه با موضوع و مطالب اراده شده است به سه حالت است:

«تصویری با موضوع و محتوای آن در یک جا قرار گیرد.

«تصویر جلوتر از متن و موضوع قرار گیرد»

«تصویر بعد از متن و موضوع قرار گیرد.» (افشار مهارجر، کامران، ۱۳۹۱؛ ۳۱)

بررسی طبیعت و عناصر طبیعی:

«طبیعت و آثار طبیعت در طول تاریخ همیشه منبع الهام و سرمشق خلاقیت های انسان بوده است. طبیعت این معن بزرگ تاریخ، در زمینه های مختلف منشأ خدماتی برای انسان جست و جوگر و کنجکاو بوده که زمان آن به قدمت خود تاریخ می رسد و در این روند انسان بعد از گذر از قهر طبیعت توانسته است چیرگی های خود را به او نشان دهد. (رئییسی، ۱۳۹۴؛ ۳۵)

«طبیعت دستاورد بهترین معمار یعنی خداوندگار است و اغلب برای معماران بهترین سرچشمه الهام بوده است. بشر در طول تاریخ از هنگامی که سرپناه، مسکن، محل زیست محل کار و یا هر نوع فضایی را ساخته و مورد بهره برداری قرار داده، همیشه عوامل طبیعی در این ساختار یک اصل مهم و اساسی برای او بودند. طبیعت همیشه در همه جا حاضر و طبقه بنیان پذیر و به مثابه بسیار قدرتمند برای الهام بخشی و حضور آن در استعاره، تقلید، تغییرپذیری فرم و مصالح معم را آشکار است.» (رئییسی، ۱۳۹۴؛ ۴۸)

لغت طبیعت:

«لغت طبیعت nature از لغت natura به معنای تولد که از آن لغتهای ملت nation هموطن native و مادرزادی innate نیز گرفته شده است.

طبیعت و ملت نه تنها دارای ریشه لاتین یکسانی هستند تاریخچه مشترکی هم دارند و همواره یکی از آنها در حال توضیح دیگری بوده است. بسیاری از کشورها هویت ملی شدن را با فضای سبز موجود در کشورشان مشخص کرده اند. مثل نقشی که جنگل در سوئد یا صحرای سفید در کانادا دارد. (رئییسی، ۱۳۹۴؛ ۴۸)

نقش سمبل در طبیعت:

«طبیعت و آثار طبیعت در طول تاریخ همیشه منبع الهام و سرمشق خلاقیت های انسان بوده است. طبیعت این معلم بزرگ تاریخ، در زمینه های مختلف منشأ خدماتی برای انسان جست و جوگر و کنجکاو بوده که زمان آن به قدمت خود تاریخ می رسد و در این روند انسان بعد از گذر از قهر طبیعت، توانسته است، چیرگی های خود را به او نشان دهد. اما طبیعت به عنوان منب و نیروی ارزنده در خدمت انسان بیش از آنکه به انسان عقل گرا در امور کمی و تکنیکی کمک کند. نیاز روحی و احساسی او را برآورده ساخته است.

شعر، ادبیات، هنر، فرهنگ و تمدن انسان های مختلف در جوامع گوناگون همراه با سنت ها و ارزش های آنان ردر طول تاریخ همیشه طبیعت را به عنوان نمادی الهام بخش اختیار کرده است. معماری به عنوان یک علم و به مثابه یک هنر در طول تاریخ منشأ آثاری بسیاری از معماران و دوره های معماری بوده است. در اینجا این مبحث سعی در شناسایی و نقش طبیعت در معماری و آثار معماران از قدیم تا حال دارد. و در گذر از موضوع طبیعت و نقش عوامل طبیعی و محیطی معماری، با عنایت به

موضوعاتی همچون معماری و سمبل های طبیعت، احترام به طبیعت در آثار معماری پیشینیان و معاصران و با توجه به اینکه مثلث طبیعت، انسان و اثر معماری ارتباطی همیشگی بوده است. حاصل گفتار عمدتاً به این سو برده می شود که استفاده شکلی و فرمی معماران گذشته و حال در یک اثر معماری شناخته شود.

هرچند که نقش عوامل طبیعی در ساخت یک اثر معماری بسیار فراوان هستند. اما به این بیشتر توجه خواهد شد که نقش فرمال طبیعت در معماری و معماران چیست.» (کاو، ۱۳۹۴؛ ۶۶)

رابطه انسان با طبیعت:

«ساختن برای بشر یک نیاز و یک ضرورت است. شاید اولین نیازی که انسان اولیه در خود احساس کرد. احساس یک سرپناه بود. در این خصوص ساختن ابتدائی ترین بناها به یک برنامه ریزی و تصمیم گیری نیاز داشت. معماری اصیل همان معماری توده ها و به عبارتی معماری مردمی است و این گاه با معیارهای پیشینیان و گاه با آگاهی شخص سازنده از شیوه درست انجام کار، بر طبق عرف جامعه اش، از پیش تعیین شده اند، اما نیاز انسان به اینکه از ساختمان به عنوان وسیله برای بیان احساسات مشترکین استفاده کند. در یکی از ابتدائی ترین مراحل رشد معماری، منجر به ظهور و پیدایش معماری متعالی گردید.» (مکی، ۲۰۱۳؛ ۱۸۱)

ارتباط استان با طبیعت (از جنبه عملکردی)

«استفاده از طبیعت (مواد و مصالح، آب، جنگل و ...) مقابله با طبیعت (بلايا، سيل، سرما، گرما، آتش سوزی، باران، زلزله و ... کنار آمدن با طبیعت و الهام گرفتن از آن. اما در اینجا اگر الهام و بهره گیری انسان را از طبیعت تنها از جنبه هنری آن در نظر بگیریم شکل های مختلف زیر را داریم» (رسولی، ۱۳۹۳؛ ۲۱)

ارتباط انسان با طبیعت (از جنبه شکلی)

«استفاده از شکل و فرم های طبیعت به صورت دو بعدی (نقاشی، طراحی، حکاکی ...) استفاده از شکل و فرم های طبیعت به صورت سه بعدی (معماری، مجسمه سازی و ...) استفاده از طبیعتی به صورت انتزاعی.

تناسب در طراحی معماری نشان داده است که در خصایص عملکردی، ساختمان و قابلیت های کاری انسان ریشه هایی دارد که به واسطه آنها، اندازه ها و شکل های دلخواه خود را پیدا می کنیم. اما جدا از این رابطه تمامی مفهوم هر طرح معماری بایستی در حوزه احساس از تناسب قرار بگیرد و این احساس، احساسی است نسبت به آنچه اقتضا و مناسبت دارد. در واقع مسایل مربوط به مناسبت و تناسب و سلیقه در رابطه بنا با محیط اطرافش به طور جدی عرض اندام می کنند.» (رسولی،

(۱۳۹۳؛ ۲۱)

ویژگی های عنصر چوب:

«باعث می شود که چه چیزی زنده و پر منب و جوش گردد.

- آغازهای جدید و بهار است.
 - اگر احساس می کنید که گیر کرده اید، راهی عالی برای حرکت دادن است.
 - اگر شما کمی آرام هستید ممکن است عنصری باشد که در زندگی خود نیاز دارد.
 - اگر شما در یک آپارتمان زیرزمینی زندگی می کنید شما باید چه چیزی را توسط چوب بلند کنید.
 - اگر شما در یک آپارتمان زیرزمینی زندگی می کنید شما باید چه چیزی را توسط چوب بلند کنید.
- اگر می خواهید رشد و فعالیت بیشتری در زندگی خود داشته باشید.» (رسولی، ۱۳۹۳؛ ۲۱)

رنگ نقاشی عنصر چوب:

«اگر واقعاً می خواهید انرژی حیاتی یک اتاق را افزایش دهید، سپس نقاشی دیوارها، با رنگ سبز یک روش درست برای انجام آن است. دیوارهای سبز را برای یک حمام کوچک یا اتاق آرایش که در یک ناحیه خانه است، در نظر بگیرید. چوب را تقویت می کند و کمک می کند تا تخلیه آب را متعادل سازد.» (فروتنی، ۱۳۸۳؛ ۲۱)

پیکره و مجسمه های چوبی:

«برای انتخاب عنصر چوبی فنگ شویی تنوع بی پایانی از پیکره ها و مجسمه های چوبی وجود دارد، آنچه را که بهترین تطابق را با دکور خانه تان دارد انتخاب کنید، اما مطمئن باشید که این راه حل ساده برای عنصر چوب را انجام می دهید، مجسمه های چوبی خصوصاً در جاهائیکه نمی توانید بیش از حد از گیاهان استفاده کنید مانند اتاق خواب به خوبی کار می کنند.» (خاکسار، ۱۳۸۹؛ ۳۱)

مجسمه های چوبی یا دکور دیواری:

«مجسمه هایی با رنگ های عنصر چوب با تزئینات چوبی را انتخاب کنید و از این طریق مزایای بسیار انرژی چوب را به خانه خود بیاورید» (خاکسار، ۱۳۸۹؛ ۳۱)

معرفی آثار هنرمندان:

«دالتون گتی در زمینه مینیاتور کار می کند. این هنرمند، که اصالتاً اهل برزیل است اما در حال حاضر در کانکتیک زندگی می کند. با تراشیدن نوک مداد از آن مجسمه های ظریف و پیچیده می سازد. تنها با استفاده از یک تیغ اصلاح، یک چاقو و یک سوزن خیاطی، او نوک مداد را به شکل حروف الفبا، یک اره مینیاتوری، سربک چکش با یک قلب به همراه قلب کوچکی که به آن متصل شده است، در می آورد هر اثر برای تکمیل به بالای دو سال و نیم زمان احتیاج دارد. در طول کار بر روی اثر، به

صورت اجتناب ناپذیری امکان شکستن هم وجود دارد. قطعاً، دالتون بالای یک صد اثر دارد که به آلفا «مجموعه قبرستان» می گویند. یک جمع به از مدادهای شکسته او می گوید که چنین حوادثی در گذشته او را ناامید می کرد، اما اکنون او فرآیند خلق اثر را به مهمی نتیجه کارش می داند. برای هنرمند، تراشیدن شبیه درمان است، رویکردی که در کار دالتون مبنی بر تفروختن آثارش، خود را نشان می دهد. (ارناسون پور و همکاران، ۱۳۹۴؛ ۴۲)

خلاصه پژوهش:

چوب به عنوان مصالحی مناسب در خدمت معماری پایدار قرار دارد. بناهای چوبی علاوه بر اینکه در زمان بهره برداری به علت کاهش مصرف سوخت، اثرات کمتری بر محیط زیست می گذارند، به راحتی قابل بازیافت بوده و ضایعاتی در طبیعت نخواهند داشت. قطعات ساختمان های چوبی تا ۸۰ درصد قابل بازیافت و استفاده مجدد است. سایر ضایعات ساختمان های چوبی نیز در ساخت کاغذ، تخته های فشرده و نئوپان استفاده می شود.

نتیجه گیری:

چنین به نظر می رسد که هنرمندان ایرانی در دوره های مختلف از موضوع طبیعت بی جان برای اهداف متفاوتی بهره برده اند. هر چند این با عناوین متفاوتی بیان شده است. این موضوع از دوره صفویه که نقطه آغاز این بحث بود کاربرد داشت. در پی افزایش روا بط ایران با دنیای غرب، تبادلات فرهنگی هنری، نیز رو به افزایش نهاد. زمانی توجه به قالب و ظاهر و گاهی نیز توجه به محتوا بیشتر بوده است. می توان گفت در دوره هایی این تاثیر پذیری نامحسوس و غیر مستقیم بوده است که این حالت بیشتر مربوط به دوره آغاز ارتباط ایران با دنیای غرب می باشد. اما در دوره های بعدتر این تاثیرپذیری محسوس تر گشته و قالب و محتوا را نیز در بر نحوه و علت استفاده از موضوع طبیعت بی جان در آثار نقاشی نشان دهنده مناسبات فرهنگی اجتماعی نیز بود که در طول سده های مختلف با تغییرات تدریجی مواجه شد. از روزگاران باستان تا عصر حاضر بیشتر مباحث مربوط به هنر، پیرامون رابطه انسان در مقام هنرمند و طبیعت به عنوان موضوع کار هنرمند بوده است.

چوب از منبعی تجدیدپذیر تهیه می شود و این موضوع در مورد مصالحی چون سنگ و آهن صادق نیست. بنابراین به نظر می رسد چوب تنها ماده ای است که در آینده معماری و ساختمان سازی نقشی تعیین کننده خواهد داشت.

مطالعه و طراحی و تزئینات داخلی با رویکرد جان دادن باید از ابزارهای متفاوتی استفاده کرد. هویدا و اشکار نمودن این مهارت ها و توانایی ها توسط طراحان معاصر از سویی نشانگر اصالت هرچه بیشتر در هنرهای سنتی ایران است و از سوی دیگر نقطه تاکیدی است بر مهارت و تبحر طراح و هنرمند ایرانی، با بررسی و تجزیه و تحلیل نقوش تزئینی این امکان تاریخی مذهبی می

توان به قابلیت های تصویری بسیار زیادی دست یافت و با به کار بردن آنها در گرافیک معاصر چهره تازه ای از هویت ایرانی را بیان نمود.

منابع و مأخذ:

- ۱- ابراهیمی دنیانی، غلامحسین، (۱۳۸۹) و ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام، جلد ۳، تهران، انتشارات طرح نو.
- ۲- ابراهیمی، قنبر، و رستم پور، هفت خانی، اکبر، چند سازه چوب و پلاستیک، تالیف: آناتول آکیوسوف، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۹
- ۳- افشار مهاجر، کامران، (۱۳۹۱)، اشاره هایی به هنرهای تجسمی معاصر از دیدگاه شناخت شناسی، هنرنامه، شماره ۳، سال دوم.
- ۴- امیدوار، اصغر، (۱۳۸۹) چند سازه چوب پلیمر، انتشارات دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان.
- ۵- امیر ابراهیمی، (۱۳۹۵)، نمیلا، نقاشی قاجار و تجربه مدرنیته، حرفه هنرمند، شماره ۱۳، امین نظر، احمد، نقاشی
- ۶- طبیعت بی جان، شاخه ایی از درخت تناور نقاشی، مجله گلستانه، شماره ۱، اسکندری، ایرج، بررسی گرایشهای سنتی در نقاشی معاصر ایران.
- ۷- الایلاخ، میثائیل (۱۳۹۰)، هنر زمین، ترجمه، ساناز فرازی، چاپ اول، تهران، کتاب آبان.
- ۸- آبگون، بیتا، (۱۳۹۱)، ظروف سیمین ساسانی، مجله هنر و مردم، تهران، شماره ۱۷۳

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی